

بسم الله الرحمن الرحيم

ہم سوال ہاں

فقہ و حقوق

(جلد ۴)

۱۴۰۰-۱۴۰۱

تالیف و تدوین
گروہ مولفین پردازش

فهرست مطالب

آزمون کارشناسی ارشد الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی ۱۴۰۰

فقه	۳۹۹
پاسخ نامه فقه	۴۰۳
اصول	۴۳۱
پاسخ نامه اصول	۴۳۴

آزمون کارشناسی ارشد الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی ۱۴۰۱

فقه	۴۶۱
پاسخ نامه فقه	۴۶۴
اصول	۴۹۲
پاسخ نامه اصول	۴۹۵
منابع	۵۲۵

آزمون کارشناسی ارشد الهیات – فقه و مبانی حقوق اسلامی ۱۴۰۱

فقه



۲۲۶۹. کدام حکم در مورد شفعه درست است؟

- (۱) لا تثبت الشفعة للغایب
(۲) بالشفعة لا تورث
(۳) لو انتقل الشقص بهبة فلا شفعة
(۴) لا يستحق الاخذ بالشفعة بالعقد إن كان فيه خيار
۲۲۷۰. لو تاب الشارب للمسكر قبل قیام البیئة و لو تاب بعد اقراره بالشرب

- (۱) سقط الحد - لم یسقط
(۲) لم یسقط الحد - سقط الحد
(۳) یتخیر الامام فی اقامة الحد - سقط الحد
(۴) یتخیر الامام فی اقامة الحد - یتخیر الامام فی اقامة الحد
۲۲۷۱. اگر مشتری ادعای تغییر در اوصاف بیع را داشته باشد و بایع انکار کند حکم چیست؟
- (۱) قول بایع با سوگند او مقدم است.
(۲) قول مشتری با سوگند او مقدم است.
(۳) تحالف صورت میگیرد و حکم به بطلان بیع می شود.
(۴) قول مشتری فقط در صورت اقامه بینه مقدم می شود.

۲۲۷۲. عبارت «انسان ضائع لاکافل له ولا یستقل بنفسه» تعریف کدام اصطلاح است؟

(۱) ضاله (۲) لقیط (۳) ملتقط (۴) لاقط

۲۲۷۳. عده وفات در مورد زوجه غیر مدخوله در نکاح دائم و زوج مدخوله بها در نکاح متعه کدام است؟

- (۱) ۳ ماه در هر دو مورد
(۲) ۴ ماه و ۱۰ روز در هر دو مورد
(۳) غیر مدخوله عده ندارد و در نکاح متعه ۴۵ روز
(۴) ۳ ماه در غیر مدخوله و دو حیض در نکاح متعه
۲۲۷۴. کدام مورد در باب جواز عقد وکالت درست است؟

- (۱) با عزل موکل و کناره گیری وکیل مطلقاً باطل می شود.
(۲) در هر دو مورد کناره گیری وکیل و عزل موکل به شرط آگاهاندن طرف مقابل باطل می شود.
(۳) با عزل موکل مطلقاً باطل میشود ولیکن بطلان آن در صورت کناره گیری وکیل در گرو آگاهاندن موکل است.
(۴) با کناره گیری وکیل مطلقاً باطل میشود لیکن بطلان آن در صورت عزل موکل در گرو آگاهاندن وکیل است.

۲۲۷۵. کدام مورد در باب به کارگیری عین مستعاره درست است؟

- (۱) و لو عین له جهة لم یتجاوزها إلا الی الأذن
(۲) و لو عین له جهة یتجاوز إلى ما یقتضی مصلحة المال
(۳) و لو عین له جهة لم یتجاوزها إلا الی المساوی و الأذن
(۴) و لو عین له جهة لم یتجاوزها و أو الی المساوی و الأذن

۲۲۷۶. کدام مورد در خیار عیب جزء مسقطات رد و ارش محسوب است؟

- (۱) برائت از عیوب
(۲) تصرف در مبیع
(۳) اسقاط خیار بدون اختیار ارش
(۴) حدوث عیب مضمون بر مشتری بعد از قبض

۲۲۷۷. در عبارت زیر به کدام نوع خیار اشاره شده است؟

«لو شرط صفة کمال او توهمها مشتری کمالاً ذاتیاً فظهر الخلاف تخیر و لا ارش»

- (۱) شرط (۲) عیب (۳) تدلیس (۴) اشتراط



۲۲۷۸. در کدام صورت تقاض مدعی از منکر جایز است؟

- (۱) منکر قسم نخورد و سوگند را به مدعی رد کند.
- (۲) منکر پس از قسم، خوردن خود را تکذیب کند
- (۳) پس از قسم خوردن، منکر مدعی بینه ای اقامه نماید.
- (۴) منکر قسم نخورد؛ ولی اموالی که مدعی به آن دست پیدا کرده مماثل با حق او باشد.

۲۲۷۹. و بالمعتبر بالترکه بالنظر الی مقدارها لیعتبر ثلثها

- (۱) حین الوفاة (۲) عند تقسیم الترکه (۳) حین الوصیة (۴) ما بین الوصیة و الوفاة

۲۲۸۰. هرگاه زنی از دنیا برود و بازماندگان او شوهر و پدر و مادر و دو برادر ابویی باشند اموال او چگونه تقسیم می شود؟

- (۱) $\frac{1}{4}$ به شوهر و $\frac{1}{6}$ به مادر و مابقی به پدر میرسد.
- (۲) $\frac{1}{4}$ به شوهر و $\frac{1}{6}$ به مادر و مابقی به پدر میرسد.
- (۳) $\frac{1}{4}$ به شوهر و به هر یک از پدر و مادر $\frac{1}{6}$ و باقیمانده به صورت مساوی بین برادران تقسیم میشود
- (۴) $\frac{1}{4}$ به شوهر و به هر یک از پدر و مادر $\frac{1}{6}$ و باقیمانده نیز به صورت مساوی بین پدر و مادر تقسیم میشود.

۲۲۸۱. در کدام صورت مقترض مالک مال قرض گرفته شده می شود؟

- (۱) قبض مال مورد قرض توسط مقترض (۲) مجرد عقد قرض
(۳) مطلق تصرفات مقترض در مال مورد قرض (۴) تصرفات ناقل توسط مقترض در مال مورد قرض

۲۲۸۲. الظاهر أن القبول للموصی له بالموت.

- (۱) جزء السبب للملكية (۲) شرط فی انتقال الملكية
(۳) كاشف عن سبق الملك (۴) ناقل للملكية للموصی له بالموت

۲۲۸۳. تزویر شهود در شهادت بر مسائل مالی در چه صورت به نقض حکم منجر می شود؟

- (۱) با علم حاکم ثابت شود. (۲) با اقرار شهود ثابت شود.
(۳) با شهادت شهودی دیگر ثابت شود. (۴) هر سه مورد

۲۲۸۴. لعان در کدام مورد مانع از ارث است؟

- (۱) در روابط زوجین و مادر و فرزند به صورت طرفین مانع از ارث است.
(۲) فقط در روابط زوجین مانع از ارث است و ولد نفی شده از هر دو ارث می برد.
(۳) در روابط زوجین و نیز زوج و ولد نفی شده به صورت طرفین مانع از ارث است.
(۴) در روابط زوجین و نیز زوج و ولد نفی شده و مادر و فرزند نفی شده به صورت طرفین مانع از ارث است.

۲۲۸۵. حکم ضمان طبیب معالج نسبت به دیه تلف ناشی از معالجه بنابر نظر شهید اول کدام است؟

- (۱) عدم ضمان مطلقاً چون طبیب امین است.
(۲) عدم ضمان چنانچه با اذن مریض و با احتیاط معالجه کرده باشد.
(۳) ضمان اگر چه با اذن مریض و با احتیاط و دقت نظر معالجه کرده باشد.
(۴) ضمان اگر چه قبل از معالجه مریض وی را از جنایت ابراء کرده باشد.

۲۲۸۶. حکم صورتی که در بیع سلم شرط تأجیل بخشی از ثمن شود کدام است؟

- (۱) مطلقاً در بخش حال و بخش مؤجل، بیع باطل است.
(۲) در بخش حال بیع باطل است و در بخش مؤجل صحیح است.
(۳) در صورت رضایت مشتری بیع به طور کامل صحیح است.
(۴) در بخش حال بیع صحیح و در بخش مؤجل باطل است.



۲۲۸۷. در کدام مورد خبر مستفیض میتواند مستند شهادت واقع شود؟

- (۱) قتل (۲) سرقت (۳) رضاع (۴) تسب

۲۲۸۸. کدام مورد درباره رد وصیت عهدی درست است؟

- (۱) در زمان حیات موصی به شرط آگاهاندن او درست است.
(۲) در زمان حیات و پس از ممات. مطلقاً درست است.
(۳) در زمان حیات مطلقاً درست است و در زمان ممات درست نیست.
(۴) قبول وصیت عهدی برای متمکن واجب کفایی است و رد پذیرفته نیست.

۲۲۸۹. کدام مورد درباره مزج مال مغضوب و عدم امکان تفکیک درست است؟

- (۱) غاصب مطلقاً به مقدار قیمت مال خود شریک مال مغضوب است.
(۲) غاصب ضامن مثل مال مغضوب، است در صورتی که با مال پست تر ممزوج شده باشد.
(۳) غاصب در صورت ممزوج شدن با مال مساوی یا بهتر به مقدار مال خود شریک مال مغضوب است.
(۴) غاصب مطلقاً ضامن مثل مال مغضوب، است خواه با مال پست تر ممزوج شده باشد یا مساوی و یا بهتر.

۲۲۹۰. کدام مورد در باب اقرار مفلس درست است؟

- (۱) اقرار به عین و نه دین باشد.
(۲) اقرار به دین و نه عین باشد.
(۳) اقرار مطلقاً نافذ نیست.
(۴) اقرار مطلقاً نافذ است.

۲۲۹۱. بنابر نظر شهید اول در صورت تلف مال قیمی مغضوب در دست غاصب ضمانت قیمت آن مال بر چه اساسی خواهد بود؟

- (۱) زمان رد (۲) زمان تلف
(۳) زمان غصب (۴) بالاترین قیمت از زمان غصب تا زمان تلف

۲۲۹۲. بنابر نظر شهید اول حکم اسقاط منفعت توسط مستأجر در عقد اجاره کدام است؟

- (۱) مطلقاً جایز نیست.
(۲) مطلقاً جایز است.
(۳) در منفعت مطلقه جایز است.
(۴) در منفعت معینه جایز است.

۲۲۹۳. بر اساس الارش مثل نسبة التفاوت بین القيمتين من الثمن اگر اتومبیلی ۱۰۰ میلیون تومان قیمت داشته باشد و معیوب آن

۸۰ میلیون تومان و ثمن مسمی هم ۶۰ میلیون تومان باشد ارزش آن چند میلیون است؟

- (۱) ۱۲ (۲) ۱۵ (۳) ۱۸ (۴) ۲۰

۲۲۹۴. براساس دیدگاه شهید اول کدام مورد درست است؟

- (۱) اذا وقف مسجداً ینفک وقفه یخراب القرية
(۲) لو وقف فی سبیل الله انصرف الی کل قرية
(۳) اذا وقف علی اولاده لایشترک اولاد البنین والبنات
(۴) اذا أجر الاول الوقف ثم انقضوا تبقى الاجارة فی المدة الباقية علی مالها

۲۲۹۵. اگر موکل در ضمن عقد وکالت تصرف وکیل را معلق بر شرطی، کند حکم عقد وکالت کدام است؟

- (۱) باطل است چون عقد معلق میشود
(۲) صحیح است چون با تنجیز عقد منافاتی ندارد
(۳) باطل است چون تصرف وکیل نباید معلق باشد.
(۴) صحیح است چون در عقد وکالت تنجیز شرط نیست.

۲۲۹۶. لو اصطلاح الشریکان علی اخذ احدهما رأس المال و الباقي للآخر، ربع او خسر

- (۱) صحّ مطلقاً (۲) بطل مطلقاً
(۳) صحّ عند انقضاء الشركة (۴) بطل عند انقضاء الشركة

۲۲۹۷. بنابر نظر شهید اول نماءات مبیع و ثمن در بیع فضولی از زمان وقوع عقد تا اجازه مالک به ترتیب از آن چه کسی خواهد بود؟

- (۱) مالک مبیع - بایع فضولی (۲) بایع فضولی - مشتری (۳) مالک مبیع - مشتری (۴) مشتری - مالک مبیع

۲۲۹۸. رضاع ناشی از کدام یک از اقسام نکاح موجب نشر حرمت می‌شود؟

- (۱) نکاح دائم و متعة (۲) نکاح دائم متعة و شبهه (۳) نکاح دائم فقط (۴) نکاح دائم و شبهه



۲۲۶۹. گزینه «۳»

اگر شقص [حصه شریک] با هبه منتقل شود، حق شفعه ثابت نمی‌شود. «وَلَوْ انْتَقَلَ الشَّقْصُ بِهَبَةٍ أَوْ صُلْحٍ أَوْ صَدَاقٍ فَلَا شُفْعَةَ» (شهید اول، اللمعة الدمشقية، ص ۱۶۲)

تشریح:

حق شفعه، حقی است که به موجب آن، شریک می‌تواند سهم فروخته شده شریک دیگر خود را خریداری کند تا از تفکیک مال مشاع جلوگیری شود. این حق، در صورتی ایجاد می‌شود که انتقال سهم مشاع از طریق عقد بیع صورت گیرد.

- **هبه:** عقدی است که به موجب آن، مالک مالی را بدون دریافت عوض به دیگری منتقل می‌کند.
- **تفاوت بیع و هبه:** در عقد بیع، انتقال مال در مقابل عوض (قیمت) صورت می‌گیرد، اما در عقد هبه، انتقال مال به صورت رایگان انجام می‌شود.

با توجه به اینکه در عقد هبه، قصد انتقال مال به صورت رایگان وجود دارد و انگیزه مالی در کار نیست، قانونگذار حق شفعه را برای این نوع انتقال سهم مشاع قائل نشده است. زیرا هدف از حق شفعه، حفظ شراکت و جلوگیری از تفکیک مال مشاع به دلیل انگیزه‌های مالی است.

دلایل انتخاب گزینه صحیح

- **تعریف حق شفعه:** حق شفعه به طور مستقیم با عقد بیع مرتبط است و هدف آن حفظ شراکت در اموال غیرمنقول است.
- **ماهیت عقد هبه:** عقد هبه با توجه به ماهیت غیرمالی خود، خارج از شمول حق شفعه قرار می‌گیرد.
- **قصد انتقال مال:** در عقد هبه، قصد انتقال مال به صورت رایگان است و انگیزه مالی وجود ندارد، بنابراین حق شفعه قابل اعمال نیست.

نقد و بررسی گزینه صحیح

گزینه ۳ از نظر فقهی و حقوقی کاملاً صحیح و مستند به قوانین و فتاوی است. این گزینه به خوبی بیانگر ماهیت حق شفعه و تفاوت بین عقد بیع و هبه است.

دلایل نادرست بودن سایر گزینه‌ها

۱. **لا تثبت الشفعة للغایب:** این گزینه به معنای آن است که حق شفعه برای غایب ثابت نمی‌شود. این گزینه نادرست است زیرا حق شفعه حقی است که برای حفظ شراکت ایجاد شده است و غیبت شریک مانعی برای اعمال این حق نیست.
۲. **بالشفعة لا تورث:** این گزینه به معنای آن است که حق شفعه به ارث نمی‌رسد. این گزینه نیز نادرست است زیرا حق شفعه حقی است که به مالک سهم مشاع تعلق می‌گیرد و با انتقال مالکیت، به ورثه منتقل می‌شود.
۳. **لا يستحق الاخذ بالشفعة بالعقد إن كان فيه خيار:** این گزینه به معنای آن است که اگر در عقد بیع خيار وجود داشته باشد، حق شفعه قابل اعمال نیست. این گزینه نیز نادرست است زیرا وجود خيار در عقد بیع، مانعی برای تحقق عقد و انتقال مالکیت نیست و بنابراین حق شفعه نیز قابل اعمال است.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی

- **شرایط تحقق حق شفعه:** برای تحقق حق شفعه، شرایطی از جمله وجود شراکت در مال غیرمنقول، قابلیت تقسیم مال، انتقال سهم مشاع از طریق عقد بیع و ... لازم است.
- **محدودیت‌های حق شفعه:** حق شفعه محدودیت‌هایی نیز دارد، مثلاً حق شفعه برای اموال منقول قابل اعمال نیست و یا اگر سهم مشاع به صورت مزایده فروخته شود، حق شفعه قابل اعمال نیست.
- **اهمیت حق شفعه:** حق شفعه یکی از حقوق مهم مالکیت است که برای حفظ شراکت و جلوگیری از تفکیک اموال غیرمنقول ایجاد شده است.
- **کاربردهای حق شفعه:** حق شفعه در معاملات املاک و مستغلات بسیار کاربرد دارد و در حل اختلافات بین شرکا نقش مهمی ایفا می‌کند.



گزینه ۲۲۷۰. «۴»

شهید اول تصریح می کند که اگر شارب قبل از زمان اقامه ی بینه توبه کند، حد ساقط می شود و با توبه ی بعد از اقامه ی بینه باشد، حد ساقط نمی شود. اگر شارب بعد از اقرار توبه کند، امام مخیر است. متن شهید در این زمینه چنین است. (شهید اول، اللعة الدمشقیة، ص ۲۶۰)

تشریح:

این مسئله از مباحث مهم در فقه اسلامی و به ویژه در باب حدود است. اصل بر این است که توبه، موجب سقوط حد می شود. اما در مورد شرب خمر، به دلیل اهمیت حفظ جامعه از فساد و ضررهای ناشی از شرابخواری، برخی فقها معتقدند که اگر فرد پس از اقرار به شرب خمر توبه کند، امام می تواند به دلایلی مانند حفظ آبروی متهم، جلوگیری از تشویش اذهان عمومی و یا سایر مصلحت های شرعی، از اجرای حد صرف نظر کند یا آن را تخفیف دهد.

دلایل انتخاب گزینه صحیح

- اصل سقوط حد با توبه: یکی از اصول مهم در فقه اسلامی، سقوط حد با توبه است. مگر اینکه دلیلی بر بقای آن وجود داشته باشد.
- اختیار امام در اجرای حد: در مورد شرب خمر، به دلیل اهمیت حفظ جامعه و برخی مصلحت های شرعی، فقها به امام اجازه داده اند تا در اجرای حد یا تخفیف آن مختار باشد.
- تفاوت زمان توبه: زمان توبه در حکم بسیار مؤثر است. اگر توبه قبل از اثبات جرم باشد، قطعاً حد ساقط می شود. اما اگر بعد از اقرار باشد، امام می تواند در اجرای حد مختار باشد.

نقد و بررسی گزینه صحیح

گزینه ۴ به طور کلی با اصول فقهی و احکام شرعی در مورد توبه و حدود مطابقت دارد. اما باید توجه داشت که اختیار امام در اجرای حد، مشروط به برخی شرایط و ملاحظات است و نمی توان به طور مطلق به آن استناد کرد.

دلایل نادرست بودن سایر گزینه ها

۱. سقط الحد - لم یسقط: این گزینه بیان می کند که در هر دو حالت حد ساقط می شود که با نظر برخی فقها در مورد اختیار امام در اجرای حد، مغایرت دارد.
۲. لم یسقط الحد - سقط الحد: این گزینه نیز با نظر برخی فقها در مورد سقوط حد با توبه قبل از اثبات جرم مغایرت دارد.
۳. یتخیر الامام فی اقامة الحد - سقط الحد: این گزینه در مورد سقوط حد در صورت توبه قبل از اثبات جرم صحیح است، اما در مورد اختیار امام در اجرای حد پس از اقرار، نیاز به بررسی دقیق تر دارد.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی

- توبه نصوح: برای سقوط حد، توبه باید نصوح باشد یعنی فرد از گناه خود پشیمان باشد و عزم جدی بر ترک آن داشته باشد.
- شرایط اجرای حد: اجرای حد دارای شرایط خاصی است که باید رعایت شود. مثلاً باید شاهد عادل وجود داشته باشد و متهم اقرار کند یا به حدی از قرائن و شواهد بر ارتکاب جرم او دلالت کند.
- مصلحت اندیشی در اجرای حدود: فقها بر این باورند که در اجرای حدود، باید مصلحت های جامعه و فرد را در نظر گرفت و از اجرای بی رویه و تعزیری حدود پرهیز کرد.

گزینه ۲۲۷۱. «۲»

اگر بایع و مشتری در تغییر اوصاف مبیع دچار اختلاف نظر شوند، قول مشتری با ادای سوگند پذیرفته می شود. «تَكْفِي الْمُشَاهَدَةِ عَنِ الْوَصْفِ، وَلَوْ غَابَ وَقْتُ الْاِبْتِیَاعِ فَإِنْ ظَهَرَ الْمُخَالَفَةُ تَخَيَّرَ الْمُغْبِيُّ وَ لَوْ اُخْتَلَفَا فِي التَّغْيِيرِ قُدِّمَ قَوْلُ الْمُشْتَرِي بِیَمِينِهِ» (شهید اول، اللعة الدمشقیة، ص ۱۰۷) «و لو اختلفا فی التّغییر قدّم قول المشتري مع یمینه إن كان هو المدعی للتغییر الموجب للخیار و البائع ینکره، لأنّ البائع یدعی علمه بهذه الصفة و هو ینکره، و لأنّ الأصل عدم وصول حقه إلیه، فیکون فی معنی المنکر، و لأصالة بقاء یده علی الثمن. و ربما قیل بتقدیم قول البائع، لتحقق الاطلاع المجوز للبیع، و أصالة عدم التّغییر» (شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۳، صص ۲۷۱-۲۷۰)

بر اساس عبارات شهید اول و شهید ثانی، به نظر می رسد که در صورت سؤال، منظور اختلاف بایع و مشتری در اوصاف مبیع است حال آن که در این سؤال، «اوصاف بیع» بیان شده است.



تشریح:

این قاعده فقهی بر اساس اصل استصحاب و اصل برائت بنا شده است. اصل استصحاب بدین معناست که ما به حالتی که قبلاً وجود داشته است حکم می‌کنیم تا دلیلی بر تغییر آن ارائه نشود. در این مورد، حالت اولیه این است که کالای خریداری شده دارای اوصاف مورد توافق بوده است، مگر اینکه مشتری خلاف آن را ثابت کند. از طرف دیگر، اصل برائت نیز ایجاب می‌کند که تا زمانی که جرمی ثابت نشده باشد، فرد بی‌گناه محسوب می‌شود. در این مورد، فروشنده تا زمانی که مشتری ادعای خود را با دلیل ثابت نکند، نمی‌توان او را به تغییر در اوصاف کالا متهم کرد.

دلایل انتخاب گزینه صحیح

- **اصل استصحاب:** این اصل ایجاب می‌کند که ما به حالتی که قبلاً وجود داشته است حکم کنیم مگر اینکه دلیلی بر تغییر آن ارائه شود.
- **اصل برائت:** این اصل ایجاب می‌کند که تا زمانی که جرمی ثابت نشده باشد، فرد بی‌گناه محسوب می‌شود.
- **بار اثبات:** بار اثبات تغییر در اوصاف کالا بر عهده مشتری است و او باید ادعای خود را با دلیل ثابت کند.
- **تسهیل دادرسی:** ترجیح دادن قول مشتری با سوگند او، به تسریع در روند دادرسی و جلوگیری از طولانی شدن اختلافات کمک می‌کند.

نقد و بررسی گزینه صحیح

این قاعده فقهی به طور کلی به نفع مشتری است و در بسیاری از موارد به او کمک می‌کند تا حق خود را بگیرد. اما باید توجه داشت که این قاعده مطلق نیست و در برخی موارد ممکن است استثناهایی وجود داشته باشد. مثلاً اگر فروشنده دلایل قوی و قانع‌کننده‌ای برای رد ادعای مشتری ارائه کند، ممکن است قاضی به او حق دهد.

دلایل نادرست بودن سایر گزینه‌ها

۱. **قول بایع با سوگند او مقدم است:** این گزینه خلاف اصل استصحاب و اصل برائت است و به نفع فروشنده است که در اکثر موارد به ضرر مشتری تمام می‌شود.
۲. **تحالف صورت می‌گیرد و حکم به بطلان بیع می‌شود:** تحالف به معنای این است که هیچ یک از طرفین نتوانند ادعای خود را ثابت کنند. در این مورد، معمولاً به حالت اولیه رجوع می‌شود و حکم به صحت بیع داده می‌شود.
۳. **قول مشتری فقط در صورت اقامه بینه مقدم می‌شود:** این گزینه نیز با اصل استصحاب و اصل برائت مغایرت دارد و بار اثبات را بیش از حد بر دوش مشتری می‌گذارد.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی

- **اوصاف کالا:** اوصاف کالا شامل ویژگی‌های ظاهری، کیفیت، کمیت و سایر مشخصات آن است که در هنگام عقد بیع مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد.
 - **تغییر در اوصاف کالا:** تغییر در اوصاف کالا می‌تواند موجب خیار خیانت یا خیار تدلیس برای مشتری شود.
 - **سوگند:** سوگند در فقه اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای است و در بسیاری از موارد به عنوان دلیل پذیرفته می‌شود.
 - **بینه:** بینه به معنای شهادت دو شاهد عادل است که به ادعای یکی از طرفین شهادت دهند.
- نکته:** این قاعده فقهی در حقوق مدنی نیز مورد توجه قرار گرفته است و در بسیاری از قوانین، به ویژه در قوانین مربوط به حمایت از مصرف‌کننده، به نفع مشتری پیش‌بینی شده است.

۲۲۷۲. گزینه «۲»

آنچه که در صورت سؤال مطرح شده است، تعریف اصطلاح لقیط است. شهید اول، در این زمینه چنین می‌نویسد: «فِي اللَّقِيطِ: وَ هُوَ كُلُّ إِنْسَانٍ ضَائِعٍ لَا كَافِلَ لَهُ وَ لَا يَسْتَقِلُّ بِنَفْسِهِ.» (شهید اول، اللعة الدمشقية، ص ۲۲۳)

معنی: لقیط به کودکی اطلاق می‌شود که در جایی رها شده و پدر و مادرش مشخص نباشند. عبارة "انسان ضائع لا كافل له ولا مستقل بنفسه" دقیقاً به توصیف حالتی می‌پردازد که کودک در آن قرار دارد؛ یعنی کودکی که گم شده و هیچ سرپرستی ندارد و قادر به تأمین نیازهای خود نیست.

تشریح:

در فقه اسلامی، احکام خاصی برای لقیط در نظر گرفته شده است. از جمله این احکام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



- تعیین نسب: تلاش برای یافتن نسب لقیط یکی از وظایف مهم مسلمانان است.
 - سرپرستی: لقیط باید تحت سرپرستی فرد صالحی قرار گیرد تا نیازهای او برطرف شود.
 - ارث: اگر نسب لقیط مشخص نشود، او از اموال خود ارث می برد و در صورت فوت، اموال او به بیت المال منتقل می شود.
- دلایل انتخاب گزینه صحیح**
- تطابق دقیق با تعریف: عبارة "انسان ضائع لا کافل له ولا یستقل بنفسه" به طور کامل با تعریف لقیط مطابقت دارد.
 - اهمیت موضوع در فقه: موضوع لقیط در فقه اسلامی دارای اهمیت ویژه ای است و احکام مفصلی در این مورد وجود دارد.
 - تفاوت با سایر گزینه ها: سایر گزینه ها (ضاله، ملتقط، لاقط) معانی دیگری دارند و با مفهوم مورد نظر در سوال تطابق ندارند.
- نقد و بررسی گزینه صحیح**
- تعریف لقیط در فقه اسلامی به طور کلی واضح و روشن است. اما در برخی موارد، ممکن است در تعیین اینکه آیا فردی لقیط محسوب می شود یا خیر، اختلاف نظر وجود داشته باشد. مثلاً اگر کودکی توسط فردی پیدا شود که مدعی است او را یافته است، تعیین اینکه آیا این کودک لقیط است یا خیر، نیاز به بررسی دقیق تر دارد.
- دلایل نادرست بودن سایر گزینه ها**
۱. ضاله: ضاله به حیوانی اطلاق می شود که گم شده باشد و مالک آن مشخص نباشد. این تعریف با مفهوم انسان مطابقت ندارد.
 ۲. ملتقط: ملتقط به کسی گفته می شود که چیزی را پیدا کرده باشد. این تعریف با مفهوم کودکی که رها شده است، متفاوت است.
 ۳. لاقط: لاقط نیز به معنای کسی است که چیزی را پیدا کرده باشد و به طور کلی مترادف با ملتقط است.
- نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی**
- تفاوت بین لقیط و یتیم: هر دو لقیط و یتیم فاقد پدر هستند، اما لقیط علاوه بر فقدان پدر، مادرش نیز مشخص نیست.
 - حقوق لقیط: لقیط دارای حقوقی مانند حق بر ارث، حق بر سرپرستی و حق بر تعیین نسب است.
 - وظایف مسلمانان در قبال لقیط: مسلمانان موظف هستند به لقیط کمک کنند و حقوق او را رعایت کنند.
- ۲۲۷۳. گزینه «۲»**
- شهید اول تصریح می کند که زوجه غیر مدخوله عده ندارد مگر آن که زوج بمیرد که در این خصوص، عده وفات زوجه غیر مدخوله چهار ماه و ده روز است. چهار ماه و ده روز برای زن آزاد و دو ماه و پنج روز برای أمة ثابت است، تفاوتی نمی کند که دخول شده باشد یا خیر. (شهید اول، اللعة الدمشقیة، ص ۱۹۵) وی درباره عده زوجه در نکاح متعه چنین می گوید که عده دو حیض است و اگر مستترابه باشد، چهل و پنج روز عده نگه می دارد و عده وفات، دو ماه و پنج روز برای زوجه أمة و چهار ماه و ده روز برای زوجه حر و آزاد است. (شهید اول، اللعة الدمشقیة، ص ۱۸۲)
- تشریح:**
- عده وفات، مدتی است که زن پس از فوت شوهر باید در آن مدت، از ازدواج مجدد خودداری کند. مدت این عده، با توجه به نوع نکاح و اینکه آیا نزدیکی صورت گرفته یا خیر، متفاوت است. در فقه اسلامی، برای تعیین مدت عده، به حکم شرعی و دلایل فقهی استناد می شود.
- در مورد سوال مطرح شده، حکم شرعی بر این است که مدت عده وفات برای زن غیر مدخوله در نکاح دائم و زن مدخوله در نکاح متعه، هر دو ۴ ماه و ۱۰ روز است. دلیل این حکم، حفظ نسب و جلوگیری از اشتباه در نسب فرزندان است. با تعیین مدت مشخصی برای عده، اطمینان حاصل می شود که هر فرزندی که پس از فوت شوهر متولد شود، قطعاً فرزند همان شوهر بوده است.
- دلایل انتخاب گزینه صحیح**
- حکم شرعی: حکم شرعی بر این است که مدت عده وفات برای هر دو حالت ۴ ماه و ۱۰ روز است.
 - حفظ نسب: هدف اصلی از تعیین مدت عده، حفظ نسب و جلوگیری از اشتباه در نسب فرزندان است.
 - یکسان بودن مدت عده در دو حالت: در فقه اسلامی، مدت عده وفات برای زن غیر مدخوله در نکاح دائم و زن مدخوله در نکاح متعه، یکسان در نظر گرفته شده است.



نقد و بررسی گزینه صحیح

این حکم شرعی، بر اساس دلایل فقهی و احکام شرعی استوار است و در طول تاریخ مورد قبول فقهای اسلامی بوده است. با این حال، در برخی موارد ممکن است اختلاف نظرهایی در مورد جزئیات این حکم وجود داشته باشد.

دلایل نادرست بودن سایر گزینه‌ها

۱. ۳ ماه در هر دو مورد: این گزینه مدت عده را کمتر از آنچه که در فقه اسلامی آمده است، در نظر می‌گیرد.
۲. غیر مدخوله عده ندارد و در نکاح متعه ۴۵ روز: این گزینه در مورد عده زن غیر مدخوله در نکاح دائم اشتباه است. زن غیر مدخوله در نکاح دائم نیز دارای عده است.
۳. ۳ ماه در غیر مدخوله و دو حیض در نکاح متعه: این گزینه نیز در مورد مدت عده زن غیر مدخوله در نکاح دائم اشتباه است و مدت عده در نکاح متعه نیز به طور دقیق دو حیض نیست بلکه ۴ ماه و ۱۰ روز است.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی

- عده وفات: مدت زمانی است که زن پس از فوت شوهر باید در آن مدت، از ازدواج مجدد خودداری کند.
 - عده طلاق: مدت زمانی است که زن پس از طلاق باید در آن مدت، از ازدواج مجدد خودداری کند.
 - مدخوله بودن: به زنی گفته می‌شود که با شوهر خود نزدیکی جنسی داشته است.
 - حکمت عده: حکمت عده، حفظ نسب، جلوگیری از اشتباه در نسب فرزندان و حفظ حرمت زن است.
- نکته: مدت عده وفات، یکی از احکام مهم در فقه اسلامی است و آشنایی با آن برای همه مسلمانان ضروری است.

۲۲۷۴. گزینه «۴»

اگر وکیل از وکالت کناره‌گیری کند، وکالت مطلقاً باطل می‌شود [چه موکل بداند و چه نداند] و اگر موکل، وکیل را عزل کند، آگاهی وکیل از عزل شرط است. «لکن إن عزل الوکیل نفسه بطلت مطلقاً، و لو عزله الموکل اشترط علمه بالعزل فلا ینعزل بدونه فی أصل الأقوال» (شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۴، ص ۳۷۰)

تحلیل کامل گزینه صحیح

مفهوم عقد وکالت:

عقد وکالت، قراردادی است که به موجب آن، یک شخص (موکل) به شخص دیگری (وکیل) اختیار انجام امری را تفویض می‌کند. این عقد، از عقود جایز است، یعنی طرفین می‌توانند هر زمان که بخواهند از آن کناره‌گیری کنند.

تفسیر گزینه ۴:

- کناره‌گیری وکیل: زمانی که وکیل از انجام وظیفه محوله خودداری کند و از وکالت کناره‌گیری نماید، عقد وکالت به طور مطلق باطل می‌شود. یعنی وکیل دیگر حق انجام هیچ‌گونه اقدامی به نیابت از موکل را ندارد.
- عزل موکل: موکل نیز می‌تواند هر زمان که بخواهد، وکیل خود را عزل کند. اما بطلان عقد وکالت در این صورت منوط به اطلاع رسانی به وکیل است. یعنی موکل باید به وکیل اطلاع دهد که او را عزل کرده است. تا زمانی که وکیل از عزل خود مطلع نشود، اعمال او به نیابت از موکل همچنان معتبر است.

دلیل انتخاب گزینه ۴:

این گزینه، به درستی ماهیت عقد وکالت و تفاوت بین کناره‌گیری وکیل و عزل موکل را بیان می‌کند. از آنجایی که وکالت یک اختیار است، وکیل می‌تواند هر زمان آن را پس بگیرد، اما موکل باید برای سلب این اختیار از وکیل، او را مطلع سازد.

نقد و بررسی گزینه صحیح و اصطلاحات تخصصی

- عقد جایز: عقدی است که طرفین می‌توانند هر زمان آن را فسخ کنند.
 - عزل: سلب اختیار از وکیل توسط موکل.
 - کناره‌گیری: انصراف وکیل از انجام وظیفه محوله.
- گزینه ۴ به خوبی ماهیت عقد وکالت را به عنوان یک عقد جایز و قابل فسخ توسط هر یک از طرفین بیان کرده است. همچنین، تفاوت بین عزل و کناره‌گیری و آثار حقوقی هر یک را به درستی تشریح نموده است.



تحلیل گزینه‌های نادرست

- **گزینه ۱:** این گزینه، باطل شدن مطلق عقد وکالت را در هر دو صورت عزل موکل و کناره گیری وکیل بیان می‌کند که با اصل جایز بودن عقد وکالت و حق کناره گیری وکیل مغایرت دارد.
- **گزینه ۲:** این گزینه نیز، باطل شدن عقد وکالت را در هر دو صورت منوط به اطلاع رسانی به طرف مقابل می‌داند که با اصل مطلق بودن بطلان عقد وکالت در صورت کناره گیری وکیل سازگاری ندارد.
- **گزینه ۳:** این گزینه، باطل شدن مطلق عقد وکالت را در صورت عزل موکل بیان می‌کند که صحیح است، اما بطلان آن را در صورت کناره گیری وکیل منوط به اطلاع رسانی به موکل می‌داند که با اصل مطلق بودن بطلان عقد وکالت در صورت کناره گیری وکیل مغایرت دارد.

نکات کلیدی و اطلاعات تکمیلی

- **عقد وکالت** یکی از مهم‌ترین عقود در فقه و حقوق است و در معاملات روزمره کاربرد فراوانی دارد.
- **آثار حقوقی عقد وکالت** شامل انتقال اختیار انجام امری از موکل به وکیل، مسئولیت وکیل در برابر موکل و ... است.
- **شرایط صحت عقد وکالت** شامل اهلیت طرفین، قصد انشاء و ... است.
- **انواع وکالت** شامل وکالت در امور مالی، وکالت در امور غیرمالی، وکالت عام و وکالت خاص است.

نتیجه‌گیری:

گزینه ۴ به درستی ماهیت عقد وکالت و آثار حقوقی آن را بیان کرده است و به عنوان گزینه صحیح انتخاب شده است. سایر گزینه‌ها به دلیل مغایرت با اصول فقهی و حقوقی نادرست هستند.

۲۲۷۵. گزینه «۴»

بر اساس عبارات شهید ثانی، در مورد به کارگیری عین مستعاره از جهتی که معین شده است، تجاوز نمی‌شود. وی چنین می‌نویسد: «و لو عین له جهة لم يتجاوزها و لو إلى المساوی و الأدون عملاً بمقتضى التعيين و اقتصاراً على المأذون.» (شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۴، ص ۲۶۰)

تحلیل کامل گزینه صحیح

مفهوم عین مستعاره:

عین مستعاره به مالی گفته می‌شود که به صورت امانت به دیگری داده شده است. مستعیر (کسی که مال را به امانت گرفته است) موظف است از این مال به همان شکلی که به او سپرده شده است، نگهداری کند و از آن به نحو صحیح استفاده نماید.

تفسیر گزینه ۴:

- **ولو عین له جهة:** اگر مالی که به امانت گرفته شده است، دارای جهت خاصی باشد (یعنی برای کار خاصی در نظر گرفته شده باشد).
- **لم يتجاوزها:** مستعیر حق ندارد از آن جهت خارج شود.
- **و أو إلى المساوی و الأدون:** یا اگر از آن جهت خارج شد، تنها می‌تواند آن را در کاری به کار برد که با کار اصلی آن برابر یا پایین‌تر باشد.

به عبارت ساده، گزینه ۴ بیان می‌کند که مستعیر موظف است از مالی که به امانت گرفته است، تنها در همان کاری که برای آن در نظر گرفته شده است استفاده کند و نمی‌تواند آن را در کاری که به آن آسیب برساند یا ارزش آن را کاهش دهد، به کار برد. در صورتی که مستعیر مجبور شود از آن جهت خارج شود، تنها می‌تواند آن را در کاری به کار برد که با کار اصلی آن برابر یا پایین‌تر باشد و به مال آسیب نرساند.

دلیل انتخاب گزینه ۴:

این گزینه به طور کامل و دقیق حق و تکلیف مستعیر را در استفاده از عین مستعاره بیان می‌کند و با احکام فقهی در این زمینه مطابقت دارد.

نقد و بررسی گزینه صحیح و اصطلاحات تخصصی

- **عین:** مال یا چیزی که مورد معامله یا امانت قرار می‌گیرد.